

پناهجویان ایرانی عموما چه افرادی را شامل می‌شوند؟

طبق اساسنامه حقوق بشر همه مردم این حق را دارند که بتوانند روی کره زمین حرکت و سفر کنند. با وجود این، قوانین مرزها سبب شده که همین حق به‌ظاهر ساده در مرحله اجرا با دشواری‌های فراوانی روبه‌رو شود. به دنبال آن هم جنگ، نابرابری‌های اجتماعی، فقر و… سبب شده بسیاری از مردم در تلاش برای تغییر محل زندگی خود دست به مهاجرت از نوع پناه‌جویی بزنند. برای روشن‌شدن پدیده پناه‌جویی از مبدا ایران، ابتدا باید به این سؤال پاسخ داده شود که عموما چه افرادی از ایران اقدام به این کار می‌کنند. یک گروه بزرگ فعالان سیاسی، کنشگران اجتماعی یا روزنامه‌نگارانی هستند که به هر دلیلی از کشور خارج می‌شوند. در همین گروه زنان و مردانی که در دسته‌های مختلف جنسی و جنسیتی تعریف می‌شوند و گنجانده شده‌اند. دسته بعدی آنهایی هستند که در حوزه اقتصادی با مشکل مواجه و مثلا ورشکست شده‌اند. به اینجا می‌آیند تا زندگی‌ای نو و از صفر بسازند. مثلا می‌بیند برخی شغل‌ها تعدادشان قابل توجه‌تر است. مثلا در میان مشاغل، همیشه نانوا زیاد داریم. یک گروه دیگر زنانی هستند که تجربه‌های خشونت خانگی شدید داشته‌اند. زنانی که دست فرزندشان را می‌گیرند و پنهانی خانه را ترک می‌کنند تا خودشان را از فضای نامنی که در آن قرار گرفته‌اند، نجات دهند.
اقلیت‌ها هم گروه نسبتا بزرگی در این دسته‌بندی‌ها به حساب می‌آیند. «شبنم» یکی از همین افراد است. او که پیش‌تر جنسیت مردانه داشته، در همین ایران توانست مجوزهای تغییر جنسیت را کسب کند اما پس از این اقدام زندگی عادی برایش ناممکن شد: «قبل از جراحی خیلی‌ها گفتند که ما کنارت هستیم و از تو و تصمیمت حمایت می‌کنیم اما پس از آن ناگهان متوجه شدم که تنهای تنها هستم و هیچ‌کس را ندارم. خانواده خودم مدت‌ها قبل‌تر طردم کرده بودند و این جراحی باعث شد تا همان چند دوستی را هم که داشتم، از دست بدهم. پس از تمام این دشواری‌ها بود که سه تریج دادم از ایران بروم و متأسفانه امکان خروج قانونی هم برایم وجود نداشت. این شد که مثل خیلی‌های دیگر سراغ قاچاق برها رفتم.»

او که در این مسیر حتی نزدیک بود مورد تجاوز هم قرار گیرد، چند روزی را که برای رسیدن به مقصدش طی کرد، دشوارترین تجربه زندگی‌اش می‌داند: «گاهی خطری که پیش‌روی شما قرار دارد درباره جانتان است. به مرگ تهدید می‌شوید و البته خیلی وحشتناک است اما از آن بدتر زمانی است که نمی‌هستی و وجود خودتان را در آستانه نابودی ببینید. یکی از شب‌هایی که من در منطقه پناه‌جویان یونان خواب بوم، یک نفر بالای سرم آمد و چیزی نمانده بود که به من تعرض کند. خوش‌شانس بودم که توانستم خودم را نجات دهم. فرد متعزری که سبتم آمد بود همه چیز مصرف نوشیدنی‌های الکلی شرایط عادی نداشت و خوشبختانه توانستم از خودم دفاع کنم. روزها و شب‌هایی را گذراندم که می‌توانست هر فردی را به مرز جنون بکشاند. در یکی از مرزها پلیس کنکمان زد. تحقیر که دیگر عادی‌ترین رفتار ممکن بود. بدترین و سیاه‌ترین روزهای زندگی‌ام را گذراندم.»

شبنم که حالا شش ماهی می‌شود به‌عنوان یکی از شهروندان کشوری اروپایی پذیرفته شده است، نمی‌داند که اگر به گذشته برگردد باز هم چنین تصمیمی را خواهد گرفت یا خیر: «الان

وضع عوض شده است. شش ماهی می‌شود که من دیگر شهروند کشوری هستم. به اگر به خاطر تغییر جنسیتم کسی مزاحمتی برایم ایجاد کند می‌توانم شکایت کنم. وضعیتم بهتر شده است. ترومای شدیدی را پشت سر گذاشتم و متوجه هستم که هنوز درگیری‌های روانی‌ام با آن دوران به اتمام نرسیده است اما به هر حال الان اوضاع همانی است که لازمش داشتم. اما شاید در همان روزها اگر کسی از من می‌پرسید که ترجیح می‌دهی برگردی یا نه جوابم برگشت به ایران بود.»

اولین مقصد برای پناهندگان ایرانی کجاست؟

برای آشنایی هرچه بهتر با آنچه پناهندگان به کشورهای دیگر تجربه می‌کنند، بهتر است ابتدا کمی با مسیر پیش‌رو آشنا شویم. اطلاعاتی که در ادامه می‌آید برابند گفت‌وگو با فعالان و روزنامه‌نگارانی است که خارج از ایران حضور دارند و در زمینه پناه‌جویان فعالیت می‌کنند. این روزها اولین قدم در پناهندگی ترکیه است. تعداد آن‌قدر بالا رفته که روزانه گروه‌های بین ۱۵ تا ۲۰ نفره از ترکیه به مقاصد مختلف برگردانده می‌شوند. جمعیت غالب هم افغانستانی هستند. در واقع تنوع جمعیتی به ترتیب افغانستانی، سوری، عراقی، آفریقایی و ایرانی هستند. زندگی در مسیر پناه‌جویی از ترکیه تا مقصد، جنگ ملیت‌هاست. کمپ‌ها عموما در جنگل برپا شده‌اند؛ کمپ‌هایی که وضعیت مساعدی ندارد. برای مثال یک کمپ سوری بهداشتی متوجه دارد که ۵۰ نفر باید از آن استفاده کنند. مرتبه شغلی و مسئولیتی هم در همان جنگل وجود دارد. از دلال قیمت گرفته تا قاچاقچی، قاچاق‌بَر و… مثلا یک نفر مسئولیت دارد تا جای خواب به دیگران بدهد. پناه‌جو به سختی و با باج یک جای خواب روی زمین گیر می‌آورد اما شب در خواب یک نفر مثلا از مغایبی عرب‌ها با اسلحه بالای سرش حاضر می‌شود و به‌زور جای خواب را می‌گیرد. در چنین شرایطی که ایرانی‌ها جمعیت کمتری هم نسبت به سایرین دارند، اوضاع برایشان دشوارتر می‌شود و باید با افغانستانی‌ها سر کنند. افغان‌های که خودشان بین هزاره و پشتو درگیری دارند، حالا در مقابل مردمی قرار می‌گیرند که بخش زیادی از آنها سال‌های زیاد

جامعه

گزارش «شرق» از قصه پناهندگان ایرانی و تلفاتی که در طول راه می‌دهند

گذرِ گران



نیلوفر حامدی؛ رو به ماسه‌ها دراز کشیده، انگار که خوابیده باشد. دست و پاهای کوچکش در کنار بدنش جمع شده بودند و چیزی از صورت تحیفش معلوم نبود. آلان کردی، پسر بچه کرد سوری بود که می‌خواست همراه خانواده‌اش از جنگ بگریزد، اما به جای اروپا، به ساحل دریا آرام گرفت. قریب به یک دهه قبل، این تصویر اذهان عمومی را به سمت مسئله پناه‌جویان –بحران بزرگ عصر مدرن– جلب کرد. طولی نکشید که مرگ در آب‌های دریاهای اروپا به امری عادی بدل شد و سایت‌های خبری مرتبط با پناه‌جویان، هر سال آمارهای ریز و درشتی از مرگ و مفقودشدن پناه‌جویان سراسر جهان ارائه می‌دادند. در تمامی این سال‌ها هم

ایران، جزء کشورهایی بوده که هر بار بخشی از مردمش همراه با این آمار و اخبار سیاه‌پوش می‌شدند. از خانواده ایران‌نژاد که پدر و مادر و سه فرزند رفتند و جسم بی‌جان یکی از آنها، یعنی «آرتین» چندماهه حتی به ایران برنگشت تا «سروان» که همین شب چله جسم بی‌جانش را از کانال مانش برگردانند. این گزارش ناشی دیدم به قصه پرغصه آنها که عزم سفر می‌کنند و می‌دانند که مسیر پیش‌رو، شادی به جای سعادت، رو به مرگ باشد. درباره آنها که راهی گذری گران شدند. عده‌ای رفتند و برنگشتند، برخی به مقصد نرسیده مسترد شدند و عده‌ای هم که البته توانستند با تحمل سختی‌های فراوان، به همان مقصدی برسند که آرزوی‌شان بود.

ایرانی در مرز بلاروس مفقود شده بودند. یوسف یکی از این افراد بود و شانس آورد که توانست وضعیت وخیم خود و دیگر همراهانش را به دوستش در ایران خبر دهد و پیگیری‌های رسانه‌ای و فعالان اجتماعی سبب شد تا بالاخره آنها پیدا شوند. یوسف که پس از گذراندن دشواری‌های بسیار حالا در آلمان ساکن شده، از وعده‌های دروغین قاچاق‌بر می‌گوید: «ما شنیده بودیم که چه دشواری‌هایی در شرایطی که محیط کوهستانی است و اگر زمستان باشد که وضعیت خطرناک‌تر هم می‌شود. در همین سال ۲۰۱۹ حدود ۴۰۰ پناه‌جو به کشورهایشان برگردانده شدند.»

وقتی که به ترکیه می‌رسند، دیگر می‌توانند خانه اجاره کنند. کار سیاه هم موجود است. حتی تا دو سال پیش بیمه وجود داشت ولی آن را برچیدند. حالا فقط می‌شود خانه اجاره کرد و اجازه رسمی هم برای کارکردن وجود ندارد و ۱۰ شهر معرفی می‌شود برای اندکی که البته مثل یک روستای بدون امکانات می‌ماند؛ بدون چراغ و جاده و حق خروج.

تا سال ۲۰۱۹ کنترل این خروج‌ها در دست سازمان ملل بود اما حالا مدتی است که پلیس استانبول اوضاع را به دست گرفته است. درصورتی‌که پلیس متوجه شود که از منطقه مشخص‌شده خارج شده، به‌سرعت پیورث می‌کند و حکم ترک خاک می‌دهد. در میان این شهرها، وان از همه اوضاع وخیم‌تری دارد، چون دم مرز است و امنیتش از همه شهرها کمتر است. امیر یکی از افرادی است که در مسیر پناهندگی به ترکیه رسید اما توانست آنجا بماند. او برای اینکه بتواند کاری دست‌وپا کند، برای روستایی‌ها اجازه داشت در آن اقامت کند. راهی از مرز شد و روبه‌روی با پلیس سبب شد تا به این دیپورت شود. او از روزهای سخت پناهندگی در ترکیه می‌گوید: «چند روز اول در همان روستا ماندم اما اوضاع خوب نبود. یک بار برای خرید سبزیجات از اهالی روستا حسابی کتک خوردم. کار نبود و برای آنجا ماندن باید مدام از خانواده‌ام پول می‌گرفتم. به همین دلیل تصمیم گرفتم راهی ایران بشوم؛ شهری که هم امکانات بهتری داشته باشد و هم بتوانم کار کنم. اما متأسفانه خیلی زود پلیس من را پیدا کرد و وقتی مدارکم را دید حکم ترک خاک داد.»

یونان؛ زندانی به مساحت یک جزیره

اما به‌جز ترکیه، یونان هم یکی از مهم‌ترین مقاصد در این مسیر است. طبق آخرین قانونی که اتحادیه اروپا در سال ۲۰۱۶ تعیین کرده است، پرونده افرادی که از ترکیه به یونان می‌روند، باید در خاک یونان بررسی شود و به همین دلیل این افراد باید برای مدتی نامشخص در یک جزیره باشند. در واقع اینجا زندانی به وسعت یک جزیره است که مدت حضور در آن گاهی به شش سال هم می‌رسد. بدون شغل و حقوق و هیچ حق قانونی خاصی. شدت بحران در این منطقه آن‌قدر بالاست‌که همین چند سال پیش در جزیره موریا آتش‌سوزی شدیدی بر اثر شورش پناه‌جوها رخ داد. آنها به وضعیت اسفناک خود و نبود غذا، امنیت و ایجاد درگیری‌های شدید و حتی تجاوز اعتراض کرده بودند.

اینجا افراد دو راه پیش‌روی خود دارند؛ یکی اینکه در همان یونان بمانند و پناهندگی همان کشور را بگیرند. دیگر اینکه از غرب یونان با کشتی به سمت ایتالیا بروند. اینجا یکی از مرحله‌های است که ناگهان با آمار بالای کم‌شدن پناه‌جوها روبه‌رو می‌شویم. از گروهی که سالم به ایتالیا برسند، عده‌ای به سمت شمال فرانسه و انگلستان می‌روند و عده‌ای دیگر راهی مقدونیه، صربستان، کرواسی، اسلوانوی و حتی بوسنی می‌شوند.

هم از پلیس بلاروس کتک خوردیم و هم موبایل و پولمان را زدند!

همین دو ماه پیش بود که گروهی از پناه‌جویان

خانواده کامران هنوز هم بیگیر این پرونده هستند. عباس گودرزی پدر کامران در گفت‌وگو با «شرق» از پیگیری‌هایی می‌گوید که برای مشخص‌شدن این پرونده کرده است: «اگر پسر من زنده می‌ماند حتما از جنایت هولناکی پرده برمی‌داشت. جنایتی که پلیس ترکیه به آن مرتکب شد. آنها به راحتی پسر من را در کوه‌های برفی ترکیه رها کردند و او به همراه سایر همراهانش جانش را از دست داد. خیلی هم راحت این کار را انجام دادند و تاسف‌بار اینکه این بار اول و آخرشان هم نبوده است. از روزی که جسد پسرم را به من تحویل دادند تا به حال یک روز هم از آن نشنسته‌ام. دو ماه تمام دنبال‌ش گشتم. از همان ابتدا به تک‌تک نمایندگان مجلس نامه نوشتم اما جز نماینده برچورد هیچ کسی حتی خودش زحمت نداد که این‌نامه را بخواند. به وزارت امور خارجه مراجعه کردم. پسر من در مدتی که تریپو دو چندین بار با تلفن همراه با ما گفت‌وگو کرد اما از ترکیه مدعی شدند که او اصلا وارد خاک این کشور نشده بود. ما خطوط ارتباطی را هم کنترل کردیم تا ثابت کنیم تماس‌های خارجی برقرار شده است. فقط در آن مدت نزدیک به شش میلیون هزینه تماس‌ها شد که این نشان می‌دهد پسر من از کشور خارج شده بود. اما هیچ‌کدام از اینها فایده‌ای نداشت.»

او از نامه‌ای که به‌تازگی برای قوه قضائیه نوشته است می‌گوید: «۱۸ آبان امسال نامه‌ای را در دبیرخانه قوه قضائیه و در خطاب به آقای محسنی‌اژه‌ای ثبت کردم و خواستار این شدم که کمک کنند تا در دادگاهی واقعی من بتوانم مقصران مرگ پسرم را شناسایی کنم. برای دادسرای بین‌الملل واقع در خیابان فاطمی هم نامه نوشتم و خواستم تا به خواسته پدری که پسر جوانش را ناعادلانه و با رفتار غیرانسانی کشوری دیگر از دست داده توجه کنند. منظم‌تر تا بینیم اتفاقی می‌افتد یا نه. این را هم می‌دانم که روابط دیپلماتیک دو کشور به گونه‌ای است که احتمالا ما نمی‌توانیم پلیس ترکیه را بازخواست کنیم اما مگر می‌شود که جان یک ایرانی برای مسئولان کشور ما ارزشی نداشته باشد؟»

تجمع روزانه ۹ خانواده ایرانی مقابل سفارت ترکیه

در واقع مشکل اینجاست که پس از بروز اتفاقات این چنینی برای شهروندان ایرانی، امکانی برای پیگیری حقوقی وجود ندارد. علی‌مجتهدزاده، وکیل پایه یک دادگستری که وکالت این پرونده را هم بر عهده داشت، یکی از مهم‌ترین اشکالات نظام قضائی ایران را عدم نفوذ و تأثیر بین‌المللی آن می‌داند. این حقوق‌دان در گفت‌وگو با «شرق» می‌گوید: «این اشکال دو ریشه مهم دارد؛ یک ریشه که به دنیای سیاست و تنش‌های دیپلماتیک برمی‌گردد که به طور طبیعی بر روابط قضائی دولت‌ها نیز تأثیر می‌گذارد. اما ریشه دوم مربوط به خود سیستم قضائی و همین‌طور سیستم جاری کشور است. یعنی جایی که خروجی سیستم قضائی کشور به هر دلیلی با استانداردهای معمول مورد انتظار در سطح بین‌الملل فاصله دارد. این به آن معنا نیست که ما باید قوانین و امور قضائی خود را با سلاطی بین‌المللی هماهنگ کنیم، چه اینکه هیچ کشوری در دنیا چنین نمی‌کند و تفاوت عمده نظام‌های حقوقی و قضائی در سطح جهان هم از همین جهت است. بلکه یک بخش مهم از معنای چنین چیزی نبود تناقض رفتاری در حوزه قضائی است. به عبارت ساده وقتی در سیستم قضائی کشور رفتاری صورت می‌گیرد که با قوانین موضوعه خود کشور تناقض دارد، به صورت مستقیم بر اعتبار ملیت: یعنی آن سیستم قضائی هم تأثیر خواهد گذاشت. طبیعی است که در چنین وضعی تمایل برای همکاری دو یا چندجانبه قضائی نیز کاهش می‌یابد و این وضعیت اثر خود را در جاهای متعددی و از جمله حفاظت از حقوق اتباع کشور در خارج نشان خواهد داد.»

او اشاره به حرف تمام آن ۴۰ نفر شود. این‌طور است که اگر هر یک از آنها با حقوق همکاری‌های قضائی بین‌المللی عنوان کرد؛ «سحب یا بد، این یک واقعیت است که برخی سوابق باعث شده تا تصویری سیاست‌زده از برخی اقدامات قضائی ما در خارج از کشور شکل بگیرد که به طور طبیعی نیز تبلیغات رسانه‌ای باعث بزرگ‌نمایی بیشتر آن شده است. خصوصا در شرایطی که ایران از کشورهای پرمهاجر در دنیا محسوب می‌شود، چنین تصویری که باعث تزلزل سطح همکاری‌های قضائی بین‌المللی ما شده باعث تهدید بیش از پیش حقوق شهروندان ما در خارج از کشور می‌شود که نمونه‌های مصداقی آن کم نیست.»

هستیم حالا که این گزارش را می‌خوانید، روزهاست که خانواده ۹ پناه‌جوی ایرانی مقابل سفارت ترکیه تجمع می‌کنند و خواهان استرداد عزیزانشان هستند. ۹ کرد اهل شهرستان پاوه در ترکیه دستگیر شدند اما به جای اینکه دولت ترکیه آنها را به ایران مسترد کند، تحویل گروه‌های تندرو اسلامی در سوریه داده است. این خانواده‌ها هم مدت‌هاست که دیگر از عزیزانشان خبر ندارند و تنها درخواستشان این است که بار دیگر خانواده خود را ببینند. یکی از این افراد که نمی‌خواهد نامش فاش شود می‌گوید وقتی سفیر کشور خودمان و مسئولان شهرستانی خودمان به فکر شهروندان ایرانی نیستند چطور می‌توانیم از دولت خارجی انتظار حمایت داشته باشیم؟

خبر ویژه

آغاز طرح جدید نیکوکاری در باشگاه مشتریان اسنپ

کمک به اشتغال مادران کم‌برخوردار با امتیازهای اسنپ‌کلاب

● اسنپ از آغاز طرح «کمک به اشتغال مادران کم‌برخوردار»، به عنوان چهارمین طرح نیکوکاری باشگاه مشتریان خود خبر داد. توانمندسازی و ایجاد اشتغال برای مادران کم‌برخوردار ساکن در روستاهای اطراف تهران (خاورشهر، محمودآباد و غنی‌آباد) هدف اصلی این طرح است که با همکاری مؤسسه خیریه «حمایت از کودکان بی‌پناه کمک» اجرائی می‌شود. اسنپ از فروردین‌ماه سال جاری به واسطه مسئولیت اجتماعی خود بخش نیکوکاری را به باشگاه مشتریاناش اضافه کرده است. کاربران اسنپ در این بخش می‌توانند با استفاده از امتیازهای خود در طرح‌های نیکوکاری مشارکت کنند. در طرح «کمک به اشتغال مادران کم‌برخوردار» کاربران اسنپ می‌توانند با اهدای دو هزار امتیاز خود در این کار خیر مشارکت کنند. به ازای هر دو هزار امتیاز معادل چهار هزار تومان از سوی اسنپ به خیریه «کمک» پرداخت می‌شود.

جرایمی و چگونگی حمایت از مادران کم‌برخوردار

در روستاهای محمودآباد، غنی‌آباد و در کوره‌های آجرپزی خاورشهر ساکنان مختلفی از اقوام ایرانی و افغانستانی در شرایط سخت اقتصادی و معیشتی به سرمی‌برند. در چند سال اخیر، به دلیل تحولات صنعتی، استفاده از آجر در ساخت‌وساز کاهش پیدا کرده و به نتاوب آن تعداد زیادی از کوره‌های آجرپزی غیرفعال شده‌اند. کارگران این منطقه از سویی نگران



ازدست‌دادن شغل خود هستند و از سوی دیگر بحران قاچاق و مواد مخدر بسیاری از مردان را در این منطقه درگیر کرده است. تمام این شرایط دست به دست هم داده تا مادران زیادی در این روستاها به تنهایی و با شرایط سخت اقتصادی بار پرورش کودکان خود را به دوش بکشند. اسنپ با همکاری مؤسسه خیریه «کمک» قصد دارد با اجرای طرح اشتغال‌زایی و توانمندسازی زنان سرپرست خانوار دارای کودک در این مناطق زمینه‌ای برای آموزش و تولید کالاهای بافتنی فراهم کند. همچنین این زنان می‌توانند تولیدات خود را در بازارچه‌های خیریه «کمک» به فروش برسانند.

نحوه مشارکت در طرح کمک به اشتغال مادران کم‌برخوردار

برای مشارکت در طرح نیکوکاری جدید اسنپ کافی است به بخش «اسنپ‌کلاب» در اپلیکیشن بروید و در دسته‌بندی «نیکوکاری» طرح «کمک به اشتغال مادران کم‌برخوردار» را انتخاب کنید. اسنپ به ازای هر دو هزار امتیاز چهار هزار تومان به حساب مؤسسه «کمک» برای اجرای این طرح واریز می‌کند.

گذر

واکنش چمران به پدیده اتوبوس خوابی نمی‌خواهم به اینها بپردازم

● مهدی چمران، رئیس شورای شهر تهران، در پاسخ به اینکه امکان بازنگری در بودجه دولت وجود دارد یا خیر؟ گفت: امکان بازنگری هست اما تلاش دولت و مجلس این است که سقف بودجه حفظ شود و به‌همین دلیل کار ما سخت می‌شود. مگر اینکه مجلس تدبیری کند و از جاهایی که به نظر می‌آید می‌توانند کم کنند اختصاص دهند، چراکه هیچ وزارتخانه‌ای حاضر نیست بودجه خود را کاهش دهد؛ اما ما فکر می‌کنیم بودجه مترو از بودجه بسیاری از جاها واجب‌تر است و به‌همین دلیل باید تلاش کنیم. رئیس شورای شهر تهران در پاسخ به این سؤال که تأثیر حضور آقای زاکانی در هیئت دولت چه بوده است نیز گفت: خیلی از مسائلی که الان مطرح است در هیئت دولت مطرح شده و بیشتر از اینها نیز بوده است. خیلی از آنها در هیئت دولت اصلاح شده و چند مورد را نیز قول دادند که اصلاح کنند اما متأسفانه نشد. ایشان درباره هرکدام از مواردی که بحث شد دفاع کردند و توضیح دادند و خیلی‌ها اصلاح شده است. چمران همچنین در واکنش به «اتوبوس خوابی» در تهران گفت: اینها بحث‌های حاشیه‌ای است و نمی‌خواهم به اینها بپردازم. قاعدا اجازه چنین کارهایی را نباید داد اما کسی که در اتوبوس خوابش برد کاری نمی‌شود کرد. رئیس شورای شهر تهران درباره خرید و فروش جای پارکینگ و مسئولیت رسیدگی به آن گفت: قاعدا به راهنمایی و رانندگی بازمی‌گردد و البته شهرداری نیز در این زمینه بدون مسئولیت نیست و باید با هم‌دیگر فکر کنند. اینها موردی است و کسانی که از شهرستان می‌آیند و شب در تهران دم دروازه‌ها گروهی می‌خوانند و نظایر اینها وجود دارد و باید ساماندهی و درست شود و دست‌گه‌هایی که دخیل هستند باید آن در دست کنند.